

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ : 1386/09/26

تثویب بدعت است اما از بدعت های نیکو! :

ابو حنیفه در جامع مسانید نقل کرده:

سئلت ابراهیم عن التثویب قال هو مما حدثه الناس و هو حسن مما حدثوه و ذکر ان تثویبهم کان حین یفرغ المؤذن من اذانه «إن الصلوة خیر من النوم» مرتین.

از ابراهیم در باره تثویب سؤال نمودم گفت: این از آن چیز هایی است که مردم آن را ایجاد نموده اند و گفته اند این از بدعت های خوب است و نیز گفته اند: تثویب بعد از اتمام اذان است که مؤذن دو مرتبه آن را تکرار می کند.

جامع المسانید، خوارزمی، ج 1، ص 296.

یعنی این بدعتی است از سوی مردم ولی از بدعت های نیکو است، تثویب واقعی آن است که بعد از تمام شدن اذان، مؤذن دو مرتبه بگوید: **الصلوة خیر من النوم**. فتوای خود ابوحنیفه نیز همین بوده که این از بدعت های حسنه است نه از بدعت های سیئه.

آیا بدعت خوب هم داریم؟! :

از نکات مهمی که باید مد نظر قرار داد راجع به معنای بدعت و این که آیا می توان بدعت را به احکام خمس (واجب، مستحب، مباح، مکروه، حرام) تقسیم کرد؟

اینها آمده اند و به خاطر گفتار خلیفه دوم که گفت: «**نعم البدعة هذه**» برخی بدعت ها (مثل نماز تراویح) را از کلام پیغمبر که فرمود: «**کل بدعة ضلالة**» را تخصیص زده و به پنج دسته تقسیم نموده اند و حال آن که از مواردی که نمی توان عموم را تخصیص زد جائی است که مشتمل بر ادوات مصرحة جمع مثل کلّ، جمیع، اجمع، اکتع و غیره باشد؛ چرا که در این صورت تخصیص اکثر لازم می آید الا این که شارع خود، کلام خود را به طور استثناء متصل تخصیص بزند مثل «**جائني القوم کلهم الا زید**» که در این موارد باز تخصیص می خورد.

مسأله بدعت از مسائل مبتلابه جامعه امروز ماست و در واقع حربه ای است در دست مخالفین شیعه به ویژه وهابیت و اهل سنت داخل کشور، که با این حربه، مقدسات شیعه و حتی برخی از مقدسات خود اهل سنت را زیر سؤال می برند.

بدعت دانستن جشن میلاد رسول خدا(ص) توسط بن باز :

بن باز مفتی اعظم عربستان سعودی که چند سال قبل مُرد می گوید:

لايجوز الاحتفال لمولد الرسول و لا غيره لأن ذلك من البدع المحدثه في الدين لان الرسول لم يفعله و لا خلفائه الراشدون و لا غيرهم من الصحابه رضي الله عنهم و لا التابعون لهم باحسان في القرون المفضله

جائز نیست کسی برای میلاد پیغمبر یا میلاد دیگران جشن و مراسم سرور بگیرد برای این که این از بدعت هائی است که در دین احداث شده زیرا پیغمبر برای خودش هم جشن میلاد نگرفته است و خلفاء راشدین و صحابه و تابعین هم در آن قرون طلائی برای او جشن نگرفتند.

مسلمانان سراسر جهان در روز 12 یا 17 ربیع مراسم و محافل عظیمی برای ولادت رسول اکرم می گیرند و تمام کسانی که آن حضرت را قبول دارند برای آن بزرگوار این چنین جشن و پایکوبی می کنند؛ آن وقت شما می آید و قداستی را که در بین همه مسلمین به عنوان «و من یعظم شعائر الله» و یا از باب «و وقروه و عزروه» بوده و هست را زیر سؤال می برید و بدعت می خوانید چون پیغمبر این کار را برای خود انجام نداده است؛ این یک نوع مغلطه علمی و در واقع یک نوع عناد است. باید از اینها پرسید مگر در شریعت ملاک ما فقط «عمل» پیغمبر است مثلاً پیغمبر زن خود را طلاق نداده؛ آیا بگوئیم که طلاق حرام است؟ خیلی از احکامی را که ما داریم پیغمبر انجام نداده است. پیغمبر با هواپیما و ماشین سفر نمی کرد آیا بگوئیم سفر کردن با هواپیما و ماشین حرام است؟ یا مثلاً این که شما ختم صحیح بخاری می گیرید آیا پیغمبر یا صحابه این کار را انجام می دادند؟ ببینید اینها خودشان هزاران مورد نظیر این را دارند ولی حکم به بدعت آن نمی کنند حتی خود ابن تیمیه عبارتی دارد که « اصل در اشیاء اباحه است مگر آن که خلافش ثابت شود».

جشن میلاد پیامبر اکرم(ص) و اولیاء و صالحین شرک است :

لجنة عالی فتوای وهابیت می گوید:

لايجوز الاحتفال بمن مات من الانبياء و الصالحين و لا إحياء ذكراهم بالمواليد لان جميع ما ذكر من البدع المحدثه في الدين و من وسائل الشرك.

جائز نیست مراسم گرفتن برای روز رحلت پیغمبران و صالحین، چون اینها جزو بدعت های در دین است و از وسائل شرک هم می باشد.

آیا کسانی که برای رحلت پیغمبر یا شهادت حضرت امیر مراسم می گیرند و یا در این مراسم حاضر می شوند - نستجیر بالله - در آنجا پیغمبر پرستی یا علی پرستی می کنند که می گوئید مشرک هستند؟ یا نه پیغمبر را به این عنوان که پیغمبر خداست گرامی می دارند یا علی را به این عنوان که خلیفه پیغمبر خدا است گرامی می دارند که تمامی اینها باز می گردد به الله نه به پیغمبر یا علی؟

صلوات بر پیامبر اکرم(ص) قبل و بعد از اذان بدعت است :

وقتی از این هیئت عالی افتاء سؤال شده که اگر کسی قبل و بعد از اذان بر پیغمبر صلوات بفرستد چه حکمی دارد؟ گفته است:

ذكر الصلوة و السلام علي الرسول قبل الاذان و هكذا الجهر بها بعد الاذان و مع الاذان من البدع المحدثه في الدين و قد ثبت عن النبي من احدث في امرنا هذا ما ليس منه فهو ردٌ و من فعل تلك البدعة و من أقرّها و من لم يغيرها و هو قادر علي ذلك فهو آثم.

یعنی صلوات فرستادن بر پیغمبر قبل از اذان یا بعد از اذان و یا در وسط اذان از بدعت های دینی است و هر کس در دین ما چیزی اضافه کند که جزو دین نیست مردود است... و اگر کسی که قدرت دارد جلوی این فعل (یعنی صلوات بر پیغمبر) را بگیرد ام این کار را نکند گناه کار است. اگر کسی در وسط اذان الصلوة خیر من النوم بگوید این بدعت است لکن از بدعت های حسنه و فاعل آن گناه کار نیست اما اگر کسی در وسط نماز بعد از « اشهد ان محمداً عبده و رسوله » صلوات بفرستد این کار حرام انجام داده چراکه مرتکب بدعت شده است.

در جلسه ای که با روحانیون کاروان ها داشتیم عرض کردیم که ما باید به جای این که حالت تدافعی بگیریم حمله کنیم و همین مطالب را در اختیار حجاج قرار دهیم تا بفهمند که این وهابیت چه چهره ای دارد و این که اساس وهابیت برای خاموش کردن شعائر اسلامی است به نام اسلام و اینها همان سیاست بنی امیه و معاویه را دارند که گفت: قسم به خدا آرام نمی نشینم تا روزی که نام پیغمبر را زیر خاک دفن کنم.

دستور محمد بن عبدالوهاب بر کشتن پیر مرد نابینا به جرم صلوات بر پیامبر(ص) :

در حین مطالعه به مطلبی دست یافتم که برایم بسیار قیمتی بود و آن این که «زینی دحلان» مفتی مکه - که متوفای 1305 هجری است و چندین کتاب نوشته که در آنها حمله های شدیدی علیه وهابیت دارد و البته روحیه ای ضد شیعه دارد و متهم به تشیع هم نیست - در کتاب **فتنة الوهابية** می گوید:

محمد بن عبدالوهاب دستور داد که کسی حق ندارد بر روی منبر و پس از اذان، بر پیامبر صلوات بفرستد. مرد صالح نابینائی بود که اذان می گفت و پس از اذان بر رسول اکرم صلوات فرستاد، او را نزد محمد بن عبدالوهاب آوردند و دستور داد این مؤذن نابینا را به جرم درود بر حضرت بکشند و بلافاصله او را کشتند.

زینی دحلان و نقل این گونه داستان ها :

زینی دحلان بعد از نقل این داستان می گوید:

و لو تتبعت لك ما كانوا يفعلون من امثال ذلك ملئت الدفاتر و الاوراق و في هذا القدر كفاية

یعنی اگر بخواهم از این جنایت هائی که وهابی ها انجام دادند بیان کنم دفاتر و کاغذها پر شود همین اندازه کفایت می کند.